

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بهای انقلاب شام را کی پرداخت خواهد نمود؟



(ترجمه)

حوادث جاری در روزگار شام یکی پی دیگری بین امید و رنج می گذرد. امید آن درست کردن مسیر انقلاب به هدف صحیح آن و جلوگیری مسیر انقلاب به هدف نزدیکی با نظام طاغوتی شام می باشد؛ اما درد و رنجی که از خود بجا گذاشته است، به هزارها شهید و مجروح که پیوسته در حال افزایش بوده، شمارشان در حال بالا رفتن است، بدون این که در مورد کدام احساس مسوولیت شده و یا شعور انسانی پدیدار گردد، این انقلاب در حال سپری شدن است.

بناً بین این امیدها و درد و رنج ها و تسلسل راه حل سیاسی، چه راه حل سیاسی امریکا و چه پروژه امت اسلامی(برپایی خلافت به منهج نبوت)، در مسیر حرکت می باشد. آن جا که گردش طیاره های مرگ بار روزانه برفراز مناطق به پرتاب بمب و شعله ور ساختن آتش بدون تفکیک مبادرت می ورزند، از بین غبار، ویرانی و بوی مرگ پرسشی در ذهن انسان خطور می کند که باید پاسخ ارایه شود.

این درحالی است که همه می دانند، کسی که طاغوت شام را مورد حمایت قرار می دهد تا مبادا سقوط کند بادارش امریکا است. بدون شک این طاغوت مزدور، مخلصش بوده که در تبنانی با اوامر امریکا به پیش می رود و همه این را نیز می دانند که سیر بسیاری از رهبران گروه های مزدوری که مورد حمایت امریکا و عُمال آن قرار دارند، به ویژه آنانی که نقش مهم را بازی می کنند، در مقید ساختن و بیهوده مصرف کردن انرژی امت در جریان خطوط قرمز که از طرف امریکا به ایشان رسم گردیده است به مصرف می رسد. ناگفته پیداست که این همه موارد در عرصه ی نظامی بود.

اما در عرصه ی سیاسی چنان چه بر همه گان آشکار است، آنانی در کنفرانس آستانه و ژینو اشتراک کرده و رضایت امریکا را پس از این که به ایشان اطاعت تحمیل گردید، بدست آورده و پس از تجارب نه چندان زیاد؛ به گونه ی مثال: برخی آن را می توان از قبیل آتش بس، التزام و پایبندی به خطوط قرمز با اشتراک گذاری شان در کنفرانس ریاض، رسیدن

به راه حل در مورد مداخله در مذاکراتی که نه فریه خواهد کرد و نه از گرسنگی خواهد رهاند، نام برد. پرسشی که درین مورد مطرح می گردد: چرا امریکا تا هنوز قادر نگردیده است که انقلاب شام را منحرف کند؟

پاسخ به این پرسش لازمه ای بازرسی سریع حوادث را دارا می باشد؛ به این معنی که امریکا به خوبی از آغاز انقلاب اهمیت خروج امور از سیطره را درک کرده است، بنأ دست به حفظ و نگهداری مزدور (طاغوت شام) را با شاخ و برگ اش نمود تا این که بتواند قدرت حاکم در سوریه را از بشار به کسی دیگر در صورت ضرورت با استقرار وضع موجود انتقال دهد.

از جمله اعمالی که در این راستا صورت گرفته عبارت اند از: کوشش تشکیل رهبری سیاسی و تمویل آن به هدف جهت دادن انقلاب، چنان چه مجموعه ای از قوت های نظامی با استفاده از راه کاری که این رهبران سیاسی به ایشان ترسیم نموده اند با اسالیب مختلف کوشش نموده اند تا مسیر انقلاب را منحرف سازند تا آن جا که هریک به انجام هدف معین؛ مانند: قتل های داخلی و یا پاسبانی و حراست از مناطق مشخص و خطوط قرمزی که به آنان پیشکش گردیده بود و یا هم فتح جبهات به هدف هدر رفتن انرژی شان بدون فایده و طویل ساختن عمر نظام موجود است، می باشد.

امریکای حریص به ایجاد توازن در برابر آمار بلند قربانیانی که شامل اطفال، زنان و کهن سالان اند می باشد. با این همه به مزدورش طاغوت شام چراغ سبز نشان داده و دستش را در قتل و ویرانی، با انواع اسلحه ها با حمایت و قوت های مزدور در ویرانی زیربناها، شفاخانه ها، مساجد، مدارس به گونه ی جسورانه آزاد گذاشته است. همه این ها به یک نکته ی مهم و مورد عطف دلالت می کند که اساس نقشه های امریکا تنقیف مردمی به هدف اغوای افکار عامه می باشد. درین خصوص هدف اول و دشمن حقیقی آن ها همین اهالی و ساکنینی که پیوسته مورد ظلم و آزار قرار دارند می باشند که همیشه در برابر همه چالش ها ثابت مانده و همه پلان های آنان را افشا نمودند. پس تمام این جنایات و این همه ویرانی ها به هدف شکستاندن اراده ی قوی آنان می باشد تا در برابر امریکا به هدف قبول راه حل سیاسی که از طرف رأس الکفر (امریکا) ترسیم گردیده، زانو بزنند و در برابر هرگونه رهبری که در آینده به وجود می آید، سر تسلیم بگذارند.

بدون شک کسی که اهمیت رأی عام و قوت تنقیف مردمی و نقش قدرت آنان در تغییر را درک کرده باشد، باید تمام انرژی اش را در مورد آن صرف کند؛ زیرا قوت بدون تنقیف هیچ ارزشی ندارد و تنقیف بدون قوت نیز تاثیری ندارد. این درحالی است که درست نمودن مسیر انقلاب با رأی عام و قوت تنقیفی در معرض بسیاری از فشارها قرار می گیرد؛ اما باید بین قوت و تنقیف مردمی انسجامی موجود باشد که پروژه اسلام سیاسی را وحدت بخشیده و در مسیر و طریقه ی رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت دهد، در چنین حالتی بدون استثنای هیچ یک هم نمی تواند از هدفی که بدان باید رسید عدول کند و این حقیقتی است که غرب کافر درک کرده و با تمام وسایل دست داشته ی خویش چه با قوت و اسالیب مختلف در صدد جدایی بین قدرت و مردم می باشد که همین قدرت مردمی توأم با تنقیف بسان ترازوی عادل است که هم مردم و هم قدرت را در یک توازن حفظ می کند و این یگانه روشی است که به هدف تغییر جامعه استفاده می شود.

بنأ به اهل قوت و قدرت واجب است تا با امت در این مسیر گام نهاده و از فشارهای آنانی که مورد حمایت غرب قرار دارند دوری جسته و روش شان را که منجر به پرتگاه سقوط می شود رد کنند. چنان چه نیز واجب است در پرورش و تنقیف مردمی نقش اهل قوت و قدرت و تاثیر آنان در این مسیر فهمانده شود، ابتدا مسوولیت تغییر را بدوش گرفته و این همان مسوولیتی است که قیمت انقلاب را پرداخت خواهد کرد و سپس این مسوولیت باید درک گردد که الله سبحانه و تعالی قوت و نصرت را تنها با این راه کار می دهد. پس وی سبحانه و تعالی صاحب قدرت و نصرت است نه احدی از خلیفه و نه ریسی می تواند از عهده ی چنین کاری بر آید؛ مگر این که مسلمانان به آن هدف متحد شوند، چنان چه محاسبه ی آن نیز واجب گردانیده شده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ، ثُمَّ تَدْعُوهُ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ»

(رواه الترمذی)

ترجمه: سوگند به ذاتی که نفسم در حیطه ی قدرت اوست، همانا به کارهای پسندیده امر نموده و از کارهای ناپسندیده منع می کنی. یا نزدیک است که الله سبحانه و تعالی بر شما عذابی از نزد خویش بفرستد و سپس او را بخوانید و او دعای شما را اجابت نکند.

این تباهی و ضرر اول و آخر در هرگونه دوری و خاموشی خواهد بود، به خصوص زمانی که جهان در مسیر انحراف روان بوده و در خصوص طاغوت شام شورای امنیت نشستش را که در آن ویتو روسیه نمایش داده می شد منع کرد؛ چنان چه ادعا می کند، اتخاذ هرگونه اجراءات علیه طاغوت شام را رد می کند. آن جا که روسیه برای بار دوم ویتوی خود را در طویل ساختن عمر انقلاب در آخرین نشست شورای امنیت به پیروی از سازمان ملل به روز چهارشنبه به تاریخ ۱۲ اپریل ۲۰۱۷م استفاده کرد.

بنأ هر کسی که در مسیر تغییر قرار دارد باید ثبات داشته، صبر و تحمل سختی ها را قبول کند. بدون شک این طریقه ای سختی است که با دردها و گرسنگی ها احاطه گردیده؛ اما نهایت آن کامیابی و پیروزی است و باید کسی که در این مسیر قدم نهاده در برابر همه حوادث موقف واضح داشته و صدایش را بلند نماید تا انحراف و یا خاموشی در مسیر و کشتی که در آن قرار داریم درک گردد و دست هرگدایی که نقض پیمان کرده و کشتی انقلاب را به مسیر انحراف سوق داده گرفته شود. بدون شک همه در کشتی واحد قرار داریم یا پیروز و یا هلاک خواهیم شد. چنان چه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«مَثَلُ الْقَائِمِ فِي حُدُودِ اللَّهِ، وَالْوَاقِعِ فِيهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ فَصَارَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا وَكَانَ الَّذِينَ فِي أَسْفَلِهَا إِذَا اسْتَقَوْا مِنَ الْمَاءِ مَرُّوا عَلَى مَنْ فَوْقَهُمْ فَقَالُوا: لَوْ أَنَّا خَرَقْنَا فِي نَصِيبِنَا خَرْقًا وَلَمْ نُؤَدْ مِنْ فَوْقِنَا، فَإِنَّ تَرَكُوهُمْ وَمَا أَرَادُوا هَلَكُوا جَمِيعًا، وَإِنْ أَخَذُوا عَلَى أَيْدِيهِمْ نَجَوْا وَنَجَوْا جَمِيعًا»

(رواه البخاری)

صفت کسی که در برابر حدود الله سبحانه و تعالی ایستاده است و برای از بین بردن منکرات قیام می کند و صفت کسی که در آن می افتد (تجاوز کند) مانند مردمی است قرعه انداختند که در یک کشتی، بعضی بالا و بعضی در پایین قرار گرفتند، مردمی که در پایین بودند، چون می خواستند آب بنوشند باید از بالای کسانی که بالاتر از آن ها بودند می گذشتند، با خود گفتند چه می شود که ما در سهم خویش شکافی ایجاد کنیم، و کسانی را که در بالاتر از ما هستند آزار ندهیم؛ اگر آن ها را به کارشان بگذارند، همه هلاک شوند و اگر دست شان را بگیرند نجات می یابند و همه نجات حاصل می کنند.

احمد عبدالوهاب

رییس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه سوریه

۲۲ رجب ۱۴۳۸ هـ ق

۱۹ اپریل ۲۰۱۷ م